تخته سفید شماره ۱۱۸

حکیم‌زاده، معاون ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش، در گفت‌وگو با «شرق»:

از بزرگسال‌انگاری کودکانمان اجتناب کنیم

اعظم پویان: در آستانه ماه مهر و فصل بازگشایی مدارس و در شرایطی که مدت‌هاست دغدغه آموزش‌وپرورش شادی کودکان این سرزمین در مدارس است، رضوان حکیم‌زاده، معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش از برنامه‌های انجام‌شده در این معاونت برای بازگرداندن کودکی به دانش‌آموزان می‌گوید.

در بدو ورود به معاونت ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش، اولین دغدغه‌تان را توانمندسازی معلمان ابتدایی اعلام کردید. در این مدت حضور در این زمینه چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

یکی از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در فرایند یادگیری، معلم است. با همین دید، یکی از برنامه‌های کلیدی که ما دنبال کردیم توانمندسازی معلمان در دوره ابتدایی است. من معتقدم اگر مدرسه را بسازیم و حتی تجهیزات خوبی هم در آنجا باشد، اما معلم آماده‌ای نداشته باشیم که آموزش بدهد، درواقع در شکل یک کار تخصصی توفیق نخواهیم داشت. اما برعکس آن را بسیار مشاهده کرده‌ایم که باوجود محدودیت امکانات و تجهیزات معلمان شاهکار کرده‌اند. نزدیک به سه سالی که من در سمت معاون آموزش ابتدایی آموزش‌وپرورش به جاهای مختلف کشور سفر کرده‌ام، از نزدیک دیده‌ام که معلمان عزیز وقتی علاقه و انگیزه دارند، چطور توانسته‌اند تأثیرگذار باشند. اعتقاد دارم در بحث توانمندسازی معلمان، توسعه حرفه‌ای از خود معلم آغاز می‌شود؛ یعنی در یک برنامه از بالا به پایین برایشان اتفاق نمی‌افتد. به همین دلیل خودشان باید اعلام کنند در چه زمینه‌هایی مایل به توسعه و آشنایی و آگاهی بیشتر هستند. توسعه حرفه‌ای در قسمت معلمان، مشمول اصول آموزش بزرگسالان می‌شود و ما هم با کسانی که صاحب تجربه‌اند به عنوان بزرگسال یادگیرنده (که البته خودشان یاددهنده هستند) برخورد می‌کنیم. بر این اساس علمی ما طرح «کارآمد» را در چهار استان به صورت آزمایشی شروع کردیم و با مرکز نیروی انسانی جلسات مختلفی را گذاشتیم و افتتاح طرح به صورت مشترک بود. بنابراین توانستیم با تلاش بسیار زیاد همان امتیازهای آموزش‌های ضمن خدمت را برای آنها ثبت کنیم تا برای معلمان انگیزه بیشتری ایجاد شود. بعد از آن چهار استان، طرح را به هشت استان تعمیم دادیم و امسال پس از جمع‌بندی که از این هشت استان داشتیم، گام بعدی را برمی‌داریم، چون اجرای سریع و بدون فراهم‌کردن زیرساخت‌ها موفقیتش کم است. از سوی دیگر، فعالیت‌های درس‌پژوهی که اجرا می‌شد، یک نگاه آسیب‌شناسی داشتیم و اکنون برنامه‌ای که به آن رسیده‌ایم این است که از تکیه صرف بر درس‌پژوهی به سمت کلاس‌پژوهی و مدرسه‌پژوهی حرکت کنیم. همه می‌دانیم که مشکلات عدم یادگیری فقط به روش تدریس برنمی‌گردد و به انگیزه دانش‌آموزان هم برمی‌گردد. احساس تعلق دانش‌آموز و اینکه دانش‌آموز چقدر در کلاس احساس امنیت عاطفی دارد، تأثیرگذار است. بر همین اساس، ثابت شده است که تأثیر عوامل روانی، اجتماعی بر یادگیری اگر بیشتر از روش تدریس یا برنامه درسی نباشد، کمتر نیست و چه‌بسا تأثیر بیشتری دارد. ما امروز نگاه‌مان فراتر رفته است. هم در بحث توانمندسازی و هم در موضوع درس‌پژوهی به این سمت حرکت می‌کنیم که با توجه به تجربه‌ای که کسب کرده‌ایم، درس‌پژوهی را از مسابقه‌ای که جایی برای برنده‌شدن معلمان باشد، خارج کنیم و به این سمت برویم که معلمان دور هم بنشینند و با هم فکر کنند که چه کنیم تا دانش‌آموزان به درس بیشتر علاقه‌مند شوند. اینکه چطور ما بتوانیم خودپنداره منفی یک دانش‌آموز را به یک خودپنداره مثبت تبدیل کنیم، اهمیت دارد. به‌خصوص در نظام آموزشی ما که مرتب دانش‌آموزان توانمندتر و باهوش‌تر از کلاس‌های درس عادی در مدارس دولتی غربال و جدا می‌شوند و در مدارس جداگانه قرار می‌گیرند و به بقیه دانش‌آموزان یک پیام منفی ناتوانمندی داده می‌شود. ما به دنبال این هستیم که درس‌پژوهی دایره‌اش گسترده‌تر شود و شامل مسائل عاطفی، روانی و اجتماعی امر یادگیری نیز بشود. البته یک موضوع چالشی دیگر هم داریم. باید این موضوع را نه در حرف بلکه در عمل بپذیریم. در سند تحول بنیادین بر اولویت آموزش ابتدایی تأکید شده است و نباید هر نیرویی را به این مقطع فرستاد و از این جهت کار مدارس سخت می‌شود؛ بنابراین در سطح کلان سیاست‌های جذب معلمان ابتدایی به بازنگری اساسی نیاز دارد.

یکی از موضوعاتی که در آموزش‌وپرورش بسیار زیاد کار شده است، ولی هنوز به عنوان یک آسیب جدی وجود دارد، مسئله بازماندگی تحصیلی است. از اقدامات معاونت ابتدایی در این حوزه برایمان بگویید؟

هر سال اسامی بازماندگان از تحصیل را به تفکیک استان و مناطق آموزش‌وپرورش ارسال می‌کنیم. همکاران ما بی‌ادعا و با دست خالی تلاش بسیار زیادی برای جذب آنها می‌کنند. هرکدام از دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل که جذب می‌شوند، قصه‌ای دارند؛ قصه‌ای از ایثار و تلاش همکاران ما که آنها را پیدا و برای حضورشان در مدرسه پیگیری می‌کنند و اگر موانع فرهنگی باشد، می‌روند با دهیاران یا ریش‌سفیدهای محلی صحبت می‌کنند و تلاش برای بازگشت این دانش‌آموزان به مدرسه بی‌وقفه وجود دارد. ما در سال گذشته ۱۴۱ هزار دانش‌آموز به عنوان بازمانده با اطلاعات اسمی و مشخصات آنها به تفکیک استان‌ها ارسال کردیم و خوشبختانه ۳۴ هزار نفر از آنها جذب شدند. همچنین برای نخستین‌بار یک کار پژوهشی میدانی با جمعیت اکثریت کودکان بازمانده‌ای که جذب شده‌اند، انجام داده‌ایم که اطلاعات دست اول را در اختیار ما قرار می‌دهد و می‌تواند به ما برای دسته‌بندی عوامل مؤثر بر موضوع بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان کمک کند.

البته یک موضوع چالشی دیگر هم داریم. باید این موضوع را نه در حرف بلکه در عمل بپذیریم. در سند تحول بنیادین بر اولویت آموزش ابتدایی تأکید شده است و باید به این دوره نگاه تخصصی شود و نباید هر نیرویی را به این مقطع فرستاد و از این جهت کار مدارس سخت می‌شود؛ بنابراین در سطح کلان سیاست‌های جذب معلمان ابتدایی به بازنگری اساسی نیاز دارد

امیدواریم گزارش نهایی بعد از آماده‌شدن منتشر شود. در موضوع بازمانده‌ها وزارت آموزش و پرورش هیچ اعتبار خاصی دریافت نمی‌کند در حالی که بحث بازماندگی از تحصیل فقط به موضوع آموزشی بر نمی‌گردد. تا جایی که به آموزش و پرورش مربوط می‌شود دو وظیفه اساسی دارد. یکی مدرسه وجود داشته باشد و دیگری معلم فراهم کند تا هر دانش‌آموزی ثبت‌نام کرده و آموزش ببیند. ما در حال حاضر حدود ۲۰۰ مدرسه یک‌نفره داریم. همچنین تعداد زیادی مدرسه زیر پنج نفر داریم. این موضوع به جهت هزینه برای آموزش و پرورش بسیار پرهزینه تمام می‌شود اما قرار نیست فرصت دسترسی این کودکان به دلیل مسائل مالی محدود شود. وقتی کودکی به خاطر مسائل اقتصادی، کار، آسیب‌های اجتماعی و ازدواج زودهنگام یا تعصباتی که وجود دارد در مدرسه حضور پیدا نمی‌کند، آموزش و پرورش واقعا دستش بسته است تا بتواند آن را به مدرسه بازگرداند. مسئولان و نهادهای دیگری هستند که باید کمک کنند. با پیگیری‌های بسیار زیادی که داشتیم و جلساتی که در وزارت آموزش و پرورش و وزارت رفاه داشتیم، قرار شد یک تقسیم کار ملی با حضور همه دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند تهیه شود تا دست به دست هم دهیم و این کودکان را شناسایی کنیم و همچنین موانع حضورشان شناسایی و برطرف شود. ما خیلی سریع کار را شروع کردیم و جلسات متعددی را با نمایندگان این سازمان‌ها برگزار کردیم و متن نهایی تقسیم کار ملی شناسایی و جذب بازماندگان آماده امضا شد. متأسفانه تا الان که شش ماه گذشته است، این متن امضای نهایی نشده است. ما برای هرکدام از این نهادها که نماینده داشتند، پیام می‌فرستیم، هرکدام به بهانه‌های مختلف امضا نمی‌کنند و همه می‌گویند اول دیگری امضا کند تا ما امضا کنیم و خیلی‌ها از تعهداتی که دادند، عقب‌نشینی کردند و فقط دو سازمان شامل وزارت رفاه و وزارت دادگستری امضا کرده‌اند. برای شناسایی و رفع موانع جذب آموزش و پرورش نمی‌تواند به تنهایی کار خاصی انجام دهد. با وجود این مسئله، ما منتظر دستگاه‌ها نماندیم چون اگر می‌ماندیم در حق این کودکان ظلم می‌شد. ما نمونه‌هایی داریم که مدیران از خودشان هزینه کردند و رفتند نزد والدین کودک و با آنها صحبت کردند تا آنها را مجاب به موافقت با تحصیل کودکشان کنند، حتی لوازم‌التحریر خریدند و... البته فقط حضور در مدرسه مهم نیست، نگه‌داشتن دانش‌آموز هم مهم است. این است که سازمان بهزیستی و وزارت رفاه باید اقدام کنند یا حداقل سازمان‌های مربوطه بودجه را در اختیار آموزش و پرورش بگذارند تا خود ما اقدامی کنیم و از ما گزارش عملکرد بگیرند. در شرایطی که همه بار بر دوش آموزش و پرورش است متأسفانه بودجه‌ها پراکنده‌اند و خرج همایش‌هایی با موضوع بازماندگی تحصیلی یا برخی گزارش‌های نمایشی می‌شود و این در حالی است که ما وسط میدان دست خالی مانده‌ایم.

نهادهایی که اعلام آمادگی کردند و ادامه ندادند، دغدغه مالی داشتند یا مسائل دیگری وجود داشته است؟

این سؤال را خود این نهادها باید پاسخ دهند. هر نهادی می‌تواند نقش مهمی در این موضوع داشته باشد. مثلا کمیته امداد می‌تواند مهم باشد یا وزارت رفاه یا سازمان بهزیستی و... نقش مهمی دارند. البته این دوستان هم زحمت می‌کشند اما هماهنگی وجود ندارد و باعث هدررفت بسیاری از منابع می‌شود. آموزش و پرورش در همه جا مدرسه دارد و بهترین مکان برای جذب این نوع دانش‌آموزان مدرسه است. اتفاقی که می‌افتد این است که ما از مدیرانمان می‌خواهیم هم نقش کارشناس برای شناسایی این دانش‌آموزان را انجام دهند و هم آنها را جذب کنند اما برای رفع موانع موجود هیچ‌گونه کمکی نمی‌توانیم بکنیم چون بودجه نداریم و بودجه این موارد به سازمان‌های دیگر اختصاص داده شده است.

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌ها در کمک به موضوع بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان تا چه‌اندازه می‌تواند مؤثر باشد؟

از نظر ما کودکی واقعا مهم است زیرا می‌تواند آینده ایران و حتی آینده بشریت را تحت تأثیر خودش قرار دهد و نباید دست‌کم گرفته شود. پس سمن‌هایی که در این موضوع فعال‌اند، اهمیت دارند. از نظر عدالت آموزشی آموزش رایگان باکیفیت برای همه دانش‌آموزان مهم است اما مسئله این است که وقتی یک کودک در منطقه‌ای محروم و کمتربرخوردار به مدرسه می‌رود تا چه‌اندازه فرصت برابر برای یادگرفتن دارد. این موضوع در درجه اول به کیفیت معلمی که سر کلاس درس است مربوط می‌شود. آیا معلمی که به منطقه محروم می‌فرستیم باتجربه‌تر و باکیفیت‌تر است که بتواند بدون محرومیت این فقر آموزشی منطقه یا بی‌سوادی خانواده را پوشش دهد یا سربازمعلم است یا معلمی است که آموزش ندیده است. متأسفانه آن‌طور که باید در این حوزه کار نشده است. ما سال‌هاست در حال ساختن مدرسه هستیم و فکر می‌کنیم برای برقراری عدالت آموزشی باید در مناطق محروم مدرسه تأسیس کنیم که البته کار بسیار ارزشمندی است، اما سال به سال می‌بینیم مدرسه‌هایی که ساختیم منجر به حضور ادامه‌دار کودکان محروم در مدارس مناطق محروم نمی‌شود. امروز زمانی است که باید بازنگری داشته باشیم و نگاهمان به عدالت آموزشی تغییر کند. ما به این نتیجه رسیده‌ایم که صرفا ساخت و تجهیز مدرسه نمی‌تواند کمک کند تا فرصت برابر آموزشی برای یادگیری همه دانش‌آموزان ایجاد شود. بچه‌های ما علاوه بر اینکه نیاز به ساختمان مدرسه دارند باید معلمان و مربیان متخصص آموزش‌دیده‌ای داشته باشند که در یادگیری به آنها کمک کنند. باید امکانات پشتیبان برایشان فراهم شود. کودکی که در خاش سیستان‌وبلوچستان یا در یک منطقه عشایری زندگی می‌کند به‌اندازه دانش‌آموزان شهرهای بزرگ دسترسی به کالاهای فرهنگی یا حتی پدر و مادر باسوادی که او را آماده مدرسه کند، ندارد و وقتی وارد مدرسه می‌شود نیاز دارد از حمایت‌های بیشتری برخوردار شود. سمن‌ها می‌توانند در این زمینه کمک کنند. درواقع سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در کنار آموزش و پرورش قرار بگیرند و از این منظر ورود کنند که چطور می‌توانند به یادگیری بهتر کودک کمک کنند. به نظر من اگر نظام همکاری تعریف شود و همه علاقه‌مندان، فعالیت‌هایشان را با آموزش و پرورش هماهنگ کنند، نتایج خوبی خواهد داشت. سمن‌ها و تسهیلگران دغدغه‌های بسیار خوبی دارند. کارهای خوبی انجام می‌دهند اما به دلیل برخی ناآگاهی‌ها ممکن است به زمینه‌هایی ورود کنند که اولویت مهم نباشد. اگر همراه با وزارت آموزش و پرورش باشند قطعا ما می‌توانیم از کمک سمن‌ها و تأثیرگذاری آنها در امر آموزش و پرورش بیشتر از این استفاده کنیم. برای مثال همین شهر تهران با وجود پایتخت‌بودن، بالاترین آمار عدم جذب بازمانده‌ها را دارد. در این حوزه نیاز به کمک سمن‌ها داریم. سمن‌ها می‌توانند با حضور به‌موقع خود موانع یادگیری را که حتی خارج از مدرسه است، برطرف کنند زیرا خارج از مدرسه به‌اندازه داخل مدرسه مهم است و ممکن است دانش‌آموزان مکان امنی برای یادگیری نداشته باشند. من فکر می‌کنم در تحقق مفهوم کیفی عدالت آموزشی سمن‌ها می‌توانند نقش تأثیرگذاری داشته باشند فقط باید برای آن یک نظام همکاری تعریف کنیم و ما از این موضوع استقبال می‌کنیم.

درحالی‌که در آستانه سال تحصیلی هستیم دغدغه جدی، حضور کودکان مهاجر و اتباع در مدارس است. ما هر سال با وجود تأیید و تأکید مقام معظم رهبری شاهد هستیم که این دانش‌آموزان به راحتی در مدارس ثبت‌نام نمی‌شوند. آیا امسال می‌توان امیدوار بود که دانش‌آموز مهاجری از مدرسه و یادگیری بازنماند؟

خوشبختانه در دو سال گذشته دستاورد بسیار خوبی در زمینه ثبت‌نام اتباع خارجی داشته‌ایم. همکاری و هماهنگی‌های متعدد وزارت آموزش‌وپرورش با وزارت کشور منجر به تصمیمات خوب و بخشنامه حمایت تحصیلی شده است و در تاریخ ۲۴ تیر ۹۶ دستورالعمل آن برای استانداران و مدیران‌کل آموزش‌وپرورش سراسر کشور ارسال شد. در این بخشنامه نه‌تنها بر ثبت‌نام کودکان مهاجر، بلکه بر ثبت‌نام کودکانی که فاقد مدارک هویتی بودند نیز تأکید شد. ما درحال‌حاضر فقط در دوره ابتدایی ۳۲۷ هزار نفر از اتباع خارجی را ثبت‌نام کرده‌ایم و درمجموع در دوره ابتدایی و متوسطه نزدیک به نیم میلیون کودکان اتباع که عمدتا از افغانستان هستند، در مدارس ما حضور دارند. همچنین حدود پنج هزار و ۵۰۰ نفر کودک فاقد مدارک هویتی ثبت‌نام شده‌اند. این در حالی است که کشورهای دیگر اگر ۱۰ یا ۱۰۰ نفر از این افراد را در مدارس خودشان بپذیرند، با کلی سروصدا اعلام می‌کنند تا کمک بین‌المللی جذب کنند، اما ما واقعا با کمترین دریافت کمک حتی از داخل کشور سعی کردیم این دانش‌آموزان را به اول مهر برسانیم. پس از دسترسی برابر به فرصت آموزش اکنون نوبت گام دوم است که ترویج نگاه برابر در محیط مدرسه به همه دانش‌آموزان است. البته از نظر سیاست‌گذاری و رویکردها این امر همواره مورد تأکید وزارت آموزش‌وپرورش بوده و در دستورالعمل ثبت‌نام نیز تأکید شده است برای مشارکت در برنامه‌ها هیچ‌گونه تفاوتی نباید بین دانش‌آموزان قائل شد. جداسازی نباید اتفاق بیفتد و کودکان اتباع باید بتوانند در مسابقات فرهنگی، هنری و ورزشی به راحتی شرکت کنند. اما شهروندان و خانواده‌های ما باید بیشتر نگرش‌های مثبت چندفرهنگی داشته باشند. با همکاری مرکز بین‌الملل آموزش‌وپرورش به دنبال این هستیم که همایش ملی آموزش چندفرهنگی برگزار کنیم. درواقع الزام دینی ما این را ایجاب می‌کند که به انسان‌ها فارغ از دین و زبان و فرهنگشان نگاه کنیم. کارهای خوبی انجام شده، اما هنوز نیاز به کار بیشتر است. رسانه‌ها باید روی این موضوع کار کنند. انعکاس اقدامات ارزشمند جمهوری اسلامی نیز بیشتر باید مورد توجه رسانه‌ها باشد. جمهوری اسلامی ایران در یک مظلومیت رسانه‌ای بین‌المللی قرار گرفته است و کارهایی که در این حوزه انجام داده چندان بازخورد بین‌المللی پیدا نمی‌کند.

جداسازی نباید اتفاق بیفتد و کودکان اتباع باید بتوانند در مسابقات فرهنگی، هنری و ورزشی به راحتی شرکت کنند. اما شهروندان و خانواده‌های ما باید بیشتر نگرش‌های مثبت چندفرهنگی داشته باشند. با همکاری مرکز بین‌الملل آموزش‌وپرورش به دنبال این هستیم که همایش ملی آموزش چندفرهنگی برگزار کنیم

از رسانه‌ها چه انتظاری دارید؟

امیدوارم رسانه‌ها در این خصوص بیشتر به آموزش‌وپرورش ابتدایی کمک کنند تا رویکردها و سیاست‌های ما، همچنین برنامه‌ها اشاعه مؤثری داشته باشند. آگاه‌سازی خانواده‌ها نیز بسیار مهم است. بر اساس علم تعلیم و تربیت باید تعلیم و تربیت متناسب با دوران کودکی داشته باشیم. باید از بزرگسال‌انگاری کودکان اجتناب کنیم. ما سعی کردیم بسیاری از رویه‌های غلطی که در سال‌های گذشته رایج شده بود مانند استفاده از کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی یا برگزاری آزمون‌های متعدد در دوره ابتدایی کنار گذاشته شود. متأسفانه خانواده‌های ما در این زمینه آگاهی کافی ندارند و کودکانشان را آینه آمال و آرزوهای خودشان دیده و می‌خواهند خواسته‌های خودشان را به کودکانشان تسری دهند. اگر کودکانمان را تحت فشار و استرس قرار دهیم، نمی‌توانیم انتظار جامعه‌ای بانشاط و امیدوار در آینده را داشته باشیم. در طول این سه سال تلاش ما این بوده است که از طریق بسترهای تربیتی متناسب با دوران کودکی روش‌های سنتی را متحول کنیم. اتاق‌های بازی و یادگیری در مدارس ابتدایی راه‌اندازی شد تا کودکان هم از یادگیری لذت ببرند و هم یادگیری پایدار داشته باشند. مشق شب سنتی را با تکالیف مهارتی جایگزین کردیم تا دانش‌آموزان از طریق فعالیت‌های عملی و دست‌ورزی آموخته‌های درون کلاس را در زندگی واقعی به کار ببرند و مهارت‌های نوشتن جایگزین رونویسی و مهارت‌های خواندن و درک مطلب جایگزین روخوانی طوطی‌وار و مهارت حساب‌کردن و حل مسئله جایگزین مسئله حل‌کردن در دفتر مشق باشد. به‌جای پیک نوروزی، عید و داستان را آوردیم تا هم حرکتی همگانی در انس کودکان با کتاب و ترویج کتاب‌خوانی داشته باشیم و هم خلاقیت را پرورش دهیم. ما تلاش کرده‌ایم دست مؤسسات از دامن کودکی فرزندان این سرزمین کوتاه شود و قسمتی از کودکی که توسط آزمون‌های متعدد و تستی به یغما رفته و در لابه‌لای کتاب‌های کمک‌آموزشی و درسی گم شده است برگردد و شادابی و نشاط در کلاس‌ها و مدرسه پدیدار شود. البته ما فشارهای زیادی را تحمل کردیم، اما امیدواریم رسانه‌ها در تثبیت این گفتمان؛ یعنی پاسداشت کودکی و تلقی کودکان به‌عنوان سرمایه اصلی کشور بیشتر به ما کمک کنند.

جدول ۳۴۹۰ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- شهری در استان گیلان- عارف نامی قرن سوم هجری و ملقب به سلطان‌العارفین ۲- نوعی یخچال- خیزاب‌های دریا- دلسردی ۳- زیر خاک پنهان‌کردن- تکیه‌کلام درویش- نشانی- عریان ۴- قسمت مهم و اساسی- کنترل دقیق- سرازیری ۵- سرمازا- ثابت‌قدم ۶- سست و تنبل- بلندترین قله زاگرس- افزودن ۷- نام پدر فریدون پیشدادی- کدخدا- زمستان ۸- مخفف از او- غیر از مورد قبلی- اروپا- مردار ۹- رود قابل کشتی‌رانی هامبورگ- پیشرفت- آرایش صورت ۱۰- همسایه کوبا- فاقد بسته‌بندی- گریه و زاری ۱۱- گوسفند استرالیایی- ضرباهنگ ۱۲- جنگ و جدال- هدایت آب‌های زیرزمینی به بیرون از منطقه مورد نظر- اسم ۱۳- گیاه تالاب- پانصد هزار- خوشا آنان که ... یارشان بی- نوعی حلوا ۱۴- محله- سیاره تیر- از دین برگشتن ۱۵- امتحان‌کردن- جوشانده کشک.

عمودی:

۱- از القاب امام علی (ع)- بزرگ‌ترین شهر مراکش که به عروس شهرهای آفریقایی شهرت دارد ۲- پل پیروزی- نوعی بیماری ویروسی کشنده- محفاظ مدارهای الکتریکی ۳- نت سوم- بوی خوش- ماه پیروزی انقلاب- دریا ۴- بت عصر جاهلی- ششمین خلیفه اموی- پرنده شناگر ۵- پیشتاز لشکر- پایتخت نیجر- تندر ۶- حافظه اصلی کامپیوتر- قیمت نامطلوب- میهن ۷- شهری در استان کرمان- کمیابی- چند وزیر ۸- مادر عرب- از نیروهای نظامی ما- محفظه کتاب در کتابخانه- بندگی ۹- لازم- نوعی ماهی استخوانی دریای خزر- چارچوب ۱۰- هوای متحرک- زمین کشاورزی بی‌مصرف مانده- کاشف کهکشان راه شیری ۱۱- پاداش- استواری در اندیشه و اراده- اقامتگاه تابستانی ۱۲- از هفت سین نوروزی- لحم- میوه تابستانی ۱۳- شکل ظاهری- معادل فارسی امکان- آسوده‌خاطر- آزاده ۱۴- کمک- نمایش‌نامه تراژدی شکسپیر- زبانه آتش ۱۵- ترک‌کردن کاری و ادامه‌ندادن آن- دوستی.

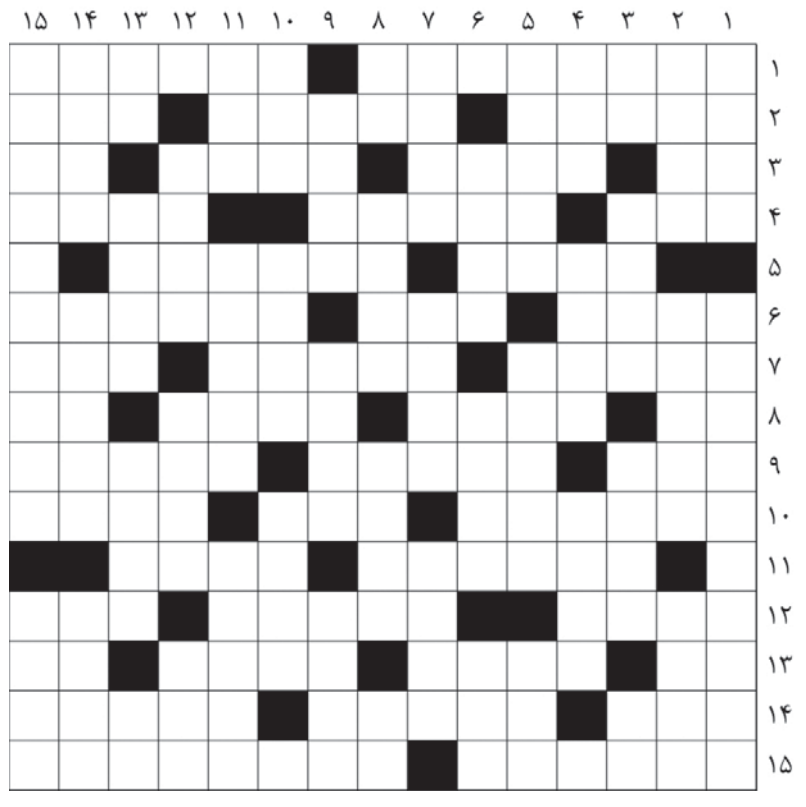

حل سودوکو سخت

۸	۳	۴	۲	۱	۹	۵	۶	۷
۷	۶	۵	۸	۳	۴	۹	۲	۱
۱	۹	۲	۶	۷	۵	۸	۳	۴
۲	۵	۷	۳	۹	۶	۴	۱	۸
۳	۴	۸	۵	۲	۱	۶	۷	۹
۶	۱	۹	۴	۸	۷	۲	۵	۳
۴	۲	۱	۷	۶	۸	۳	۹	۵
۵	۷	۳	۹	۴	۲	۱	۸	۶
۹	۸	۶	۱	۵	۳	۷	۴	۲

حل سودوکو ۲۴۸۵

۸	۶	۴	۳	۵	۱	۲	۹	۷
۱	۳	۲	۹	۷	۶	۵	۸	۴
۵	۷	۹	۸	۲	۴	۶	۱	۳
۳	۹	۶	۲	۴	۸	۷	۵	۱
۲	۸	۱	۵	۳	۷	۴	۶	۹
۴	۵	۷	۱	۶	۹	۳	۲	۸
۷	۴	۸	۶	۹	۲	۱	۳	۵
۶	۱	۳	۴	۸	۵	۹	۷	۲
۹	۲	۵	۷	۱	۳	۸	۴	۶

جدول ۳۴۸۹

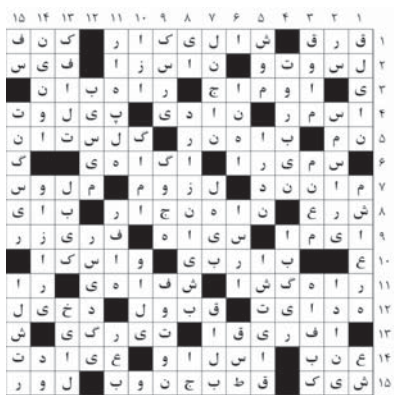

سودوکو سخت ۲۴۸۶

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲	۳			۴	۹	۱		
۱	۸	۵						
				۸		۵		
			۶				۴	
۴		۶				۹		۲
	۹				۲			
		۳		۶				
						۸	۵	۱
		۴	۹	۲			۷	۶

سودوکو ساده ۲۴۸۶

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۸	۹	۳	۴		۶		
۴			۱					۹
							۵	
۹		۷			۴			
۶								۸
			۶			۳		۱
	۱							
۳					۵			۴
		۶		۳	۱	۸	۲	